

حکم هدیه به قاضی در قوانین موضوعه ایران

محمدعادل ضیائی*

ایوب شافعی پور**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

چکیده

در مورد استحباب هدیه اختلافی وجود ندارد، لکن این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به جایگاه حساس قاضی، آیا هدیه دادن به او نیز جایز است؟ مقاله حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی سامان یافته است مشخص می‌نماید که در قوانین موضوعه ایران از جمله ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و آراء محاکم و وحدت رویه‌ها، هرگونه دادن مال یا منفعتی به قاضی تحت هر عنوانی مانند هدیه، شیرینی، سند مالی و پرداخت (چک) مصداق بارز رشوه است و دهنده و گیرنده آن با توجه به مبلغ مورد رشوه مجازات خواهند شد. قوانین موضوعه، دادن هدیه و رشوه در حالت اضطرار و اجبار را رافع مسؤولیت کیفری دانسته‌اند و همچنین معتقدند که در رشوه، مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد. در پایان نیز پیشنهادهایی جهت رفع کاستی‌ها و اصلاح برخی مواد قانونی در این زمینه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: هدیه، رشوه، قاضی، قانون مجازات اسلامی، قانون تشدید مجازات، قانون جرایم نیروهای مسلح.

*دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

ziaey@ut.ac.ir

**کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسؤول).

ayoubshafei@yahoo.com

مقدمه

سلامت جامعه در گرو سلامت حاکمان و کارگزاران آن و فساد و تباهی اجتماع ناشی از فساد و بی بندوباری سردمداران و حاکمان آن اجتماع است و به قول معروف «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، مقدمه ج ۱۰۲، ص ۸). یکی از مهمترین بیماری های اداری در نظام حکومتی اکثر جوامع در طول تاریخ، تخلفات و جرایم کارکنان دولت بوده است. حکام، قضات و کارمندان در یک جامعه با توجه به نقشی که در اداره آن جامعه دارند همواره در معرض خطر فساد مالی و اداری قرار دارند که از جمله این فسادها رشوه خواری است. یکی از مسائلی که در بحث رشوه حائز اهمیت بوده و در متون دینی و منابع فقهی و به تبع آن در قوانین نیز مورد بحث قرار گرفته این است که مرز بین رشوه و هدیه کجاست و اصولاً این دو چه تفاوتی باهم دارند؟ ممکن است در نگاه نخست این پرسش بی معنا یا کم اهمیت تلقی شود، چراکه مفهوم هدیه با رشوه بسیار متفاوت است اما با اندکی تأمل می توان دریافت که در مقام عمل و مصداق، گاه تشخیص این دو از یکدیگر دشوار است. در توضیح این سخن باید گفت که هدیه به عنوان یک عمل با ارزش و یک هنجار اجتماعی در جوامع، همواره مورد قبول و پذیرش بوده است در حالی که رشوه، امری ضد اخلاقی و نابهنجار به شمار رفته و مورد نکوهش قرار گرفته است. با این حال، چه بسا که در مصداق به آسانی نتوان میان این دو مرز مشخصی قائل شد و گاه از حیث آثار و پیامدها بسیار به هم نزدیک باشند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) هدیه را قبول می کردند و خود نیز هدیه می دادند. در روایت آمده است که ایشان فرمودند: «لَوْ دُعِيتُ إِلَى كُرَاعٍ لَأَجِبْتُ، وَلَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۱۴ و بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۵)؛ یعنی «اگر به مهمانی پاچه حیوانی دعوت شوم آن را اجابت کنم و اگر پاچه حیوانی را به من هدیه کنند می پذیرم». ایشان دادن هدیه را موجب ایجاد محبت و همدلی معرفی کرده و مؤمنان را به دادن هدیه به یکدیگر سفارش کرده اند: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا» (الاصبحی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۹۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۴ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۸۷)؛ یعنی «به هم هدیه دهید تا همدیگر را دوست داشته باشید». با توجه به روایات وارده از پیامبر (ص) و سیره عملی ایشان، فقها هدیه دادن و هدیه گرفتن را نه تنها جایز بلکه مستحب دانسته اند. از طرفی، رشوه دادن سخت مورد نکوهش اسلام و همچنین قانونگذاران قرار گرفته است.

با وجود روشن بودن مفهوم «هدیه» و «رشوه»، هدیه یکی از شایع‌ترین عناوینی است که ممکن است رشوه در آن قالب تحقق یابد و به‌همین دلیل است که چه‌بسا برای فرار از عنوان رشوه، در قالب هدیه عملاً رشوه داده شود. به‌عنوان مثال، فرد رشوه‌دهنده ممکن است به مناسبت سالگرد ازدواج رشوه‌گیرنده، در قالب هدیه به او یا به همسرش سکه طلا و یا چیز دیگری به عنوان هدیه بدهد و یا به مناسبت سالروز تولد فرزندش یک ماشین به فرزندش هدیه دهد و یا در قالب بیع محاباتی، مالی را به قیمتی ارزان‌تر به رشوه‌گیرنده بفروشد و یا برعکس به قیمتی بسیار گران‌تر از قیمت خرید، ملکی یا ماشینی را از او بخرد و یا ملکی را به قیمتی ارزان به او اجاره دهد یا برعکس به قیمتی گران‌تر از او به اجاره گیرد یا در قالب تور، خانواده او را به مسافرتی در داخل یا خارج از کشور دعوت نماید یا فردی را اجیر کند تا کارهای منزل او را بدون دریافت اجرت انجام دهد و بسیاری موارد دیگر.

یکی از مشاغل مهم در همه دوران‌ها منصب قضا بوده است. در سیستم حکومتی اسلام قاضی جایگاهی مهم و رفیع دارد. قاضی برای آنکه بتواند به‌نحو احسن وظایف خویش را به انجام برساند باید بسترهای لازم برای او فراهم گردد. یکی از این بسترها تأمین معاش او است تا با فراغ‌بال و بدون دغدغه به وظیفه اصلی خویش که رفع تخاصمات است بپردازد. درآمدهای مالی قاضی می‌تواند در قالب ارتزاق از بیت‌المال، اخذ اجرت از متخاصمین و قبول هدیه و رشوه باشد. در مورد حکم قانونی رشوه قضیه روشن است. بحث ارتزاق از بیت‌المال و اخذ اجرت از متخاصمین نیز خارج از موضوع این پژوهش است. در این مقاله سعی شده است پس از جمع‌آوری اطلاعات به‌روش کتابخانه‌ای از منابع معتبر و کتب موثق حقوقی مربوط به قوانین موضوعه ایران، به تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها پرداخته و در نهایت با استدلال، رأی راجح انتخاب گردد. به تعبیر دیگر، روش مد نظر در این نوشتار، کتابخانه‌ای و شیوه انتخابی، توصیفی است. در پایان نیز پیشنهادهایی جهت رفع نقص برخی قوانین موضوعه مطرح شده است.

در مورد پیشینه پژوهش هم می‌توان گفت از آنجایی که مباحث و پژوهش‌های انجام‌شده همگی به حکم هدیه دادن و هدیه گرفتن قاضی بیشتر از منظر فقه اسلامی پرداخته‌اند و پژوهش مستقلی موضوع مورد پژوهش را از منظر قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار نداده است، ضرورت انجام آن بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۱. مفاهیم و تعاریف

قبل از ورود به بحث اصلی ابتدا لازم است معنای لغوی و اصطلاحی هدیه بیان شود:

۱-۱. مفهوم هدیه

از نظر لغوی واژه «هدیه» بر وزن فعیله به معنای مفعوله (حسینی، ۱۳۸۵، (ب)، ص ۵۶۴) و به معنای تحفه، ارمان، پیشکش و چشم‌روشنی (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۶۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۳۲۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۳۴۵ و آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۷۸۱) و جمع آن هدایا می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۷۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۳۴۵ و آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۷۸۱). *راغب اصفهانی* در مورد این واژه نوشته است: «هدیه چیزی است برای لطف کردن و کسانی که به دیگران چیزی هدیه می‌دهند در حق آنان لطف می‌کنند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۳۵). *فیروزآبادی* در کتاب *القاموس المحیط* می‌نویسد: «هَدِيَّةٌ بر وزن غَنِيَّةٌ به معنای تحفه و جمع آن هدایا است» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۳۴۵). در کتاب *العین* در تعریف هدیه آمده است: «هَدِيَّةٌ یعنی آنچه از طرف فردی مهربان، به خاطر نیکی به کسی داده می‌شود و جمع آن هدایا است» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۷۷). با اندکی دقت و با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت که اهل لغت، تعریف واحدی از هدیه دارند.

در این خصوص برخی حقوق‌دانان گفته‌اند: «هدیه عبارت از تملیک مالی است از طرف کسی که مقام اجتماعی پایین‌تری دارد به دیگری که مقامش بالاتر از اوست به قصد تعظیم و اکرام، چنان که کشاورزی آهوپی را صید بنماید و نزد مالک قریه خود برده به او تقدیم کند» (امامی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۶۲).

برخی نیز هدیه را این‌گونه تعریف می‌کنند: «هدیه عطایایی است که شخص برای ایجاد دوستی و یا ازدیاد دوستی و یا تقرب به خداوند بذل می‌نماید» (سنگلجی، ۱۳۲۹، صص ۳۱-۳۰).

در فرهنگ‌ها و معاجم اصطلاحات حقوقی نیز تعاریفی از هدیه ذکر شده است مانند تعریف زیر که می‌گوید: «هدیه عبارت از چیزی است که آن را به کسی فرستند، بی‌آنکه قصد ایشان رسیدن به مقصودی باشد» (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی می‌توان هدیه را این‌گونه تعریف نمود: هدیه یعنی دادن چیزی به دیگری بدون دریافت عوض به‌عنوان تقرب و اکرام.

۲-۱. مفهوم قاضی

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است که یکی از کلیدی‌ترین واژگان این پژوهش یعنی «قاضی» مفهوم‌شناسی شود و معنای لغوی و اصطلاحی آن بیان گردد.

«قاضی» اسم فاعل قضا است و به معنای حکم‌کننده و دادرس آمده است. لذا با آشکار شدن مفهوم قضا، مفهوم قاضی نیز فهمیده خواهد شد.

قضا در زبان عربی از فعل «قضى یقضى» به معنای حکم به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۵؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۴۶۳ و رازی، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۹۹) و مرجع آن به تمام شدن و پایان یافتن چیزی برمی‌گردد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۲ق، ج ۳۳، ص ۲۸۲).

در *لسان العرب و تاج العروس* در تعریف قاضی این چنین آمده است: «قطع‌کننده و پایان‌دهنده حکم‌هایی که نیاز به حکم کردن دارند» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۶ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۹، ص ۳۱۵).

در حقوق ایران، قاضی هم به عنوان دادرس آمده است و هم به معنای مفهومی عام و کلی که شامل همه تصمیم‌گیرندگان قضایی در سطوح مختلف را شامل می‌شود.

با توجه به برخی از مواد قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۵۸۷، ۵۹۷ و ۶۰۴ و دیگر قوانین و مقررات در بیان مسؤلیت قضات، از قضات محاکم و دادسراها تحت عنوان عام قضات، مستخدمین قضایی، دارندگان پایه‌های قضایی و عناوین مشابه دیگر یاد شده است و قضات دادسرا از نظر جرایم و مجازات‌های شغلی و تخلفات انتظامی و امکان تعقیب جزایی یا انتظامی، مشابه و معادل قضات محاکم به حساب آمده‌اند.

به علاوه، از جهت شرایط استخدام، پیشرفت، ارتقا، حیثیت و شؤون شغلی نیز تفاوتی بین قضات دادگاه‌ها و دادسراها وجود ندارد.

با توجه به تعاریف نزدیک لغوی و اصطلاحی از واژه «قاضی» به نظر می‌رسد که این تعریف از قاضی راجح باشد: «قاضی مفهوم عامی دارد و شامل قضات دادگاه و دادسرا می‌شود و به معنای تصمیم‌گیرنده امور قضایی است».

۲. ارتباط هدیه و رشوه

با توجه به تعریفی که از هدیه و رشوه ارائه شد می‌توان گفت که به‌طور کلی بین هدیه و رشوه رابطه عام و خاص من وجه برقرار است؛ زیرا برخی از اقسام هدیه قطعاً رشوه

نیستند و از طرف شارع در مورد آنها تشویق و ترغیب شده است، مانند هدیه‌ای که در امور خانوادگی برای رفع کدورت یا قوام پیوند خانوادگی بین اعضای خانواده جریان دارد و یا هدایایی که انسان برای خداوند به‌عنوان قربانی تقدیم می‌کند و این‌گونه هدایا کاملاً با رشوه فرق دارند. اما برخی از اقسام هدایا، در حکم رشوه‌اند؛ زیرا اگر هدیه‌ای به‌قصد ایصال به حکم حاکم یا قاضی به او داده شود، چه تفاوتی می‌تواند با رشوه جز در اسمشان داشته باشد (دادوئی دریکنده، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲).

در بیان وجوه افتراق هدیه و رشوه مطالب زیادی ذکر شده است که به‌طور مختصر برخی از آنها ذکر می‌شود.

برخی در خصوص تفاوت بین رشوه و هدیه گفته‌اند: «هدیه عطایایی است که شخص برای ایجاد دوستی و یا ازدیاد دوستی و یا تقرب به خداوند بذل می‌نماید حال آنکه رشوه، مالی است که شخص به دادرسی می‌دهد تا آنکه بدان وسیله نظر او را جلب نموده تا در دادگاه بتواند بر خصم خود غالب آید» (سنگلجی، ۱۳۲۹، صص ۳۱-۳۰). در کتاب فقه و تجارت نیز در خصوص تفاوت رشوه و هدیه آمده است که «رشوه به‌جهت حکم و در مقابل حکم داده می‌شود و هدیه در مقابل چیزی نیست و برای دوستی و مودت و به‌اریگان اعطاء می‌گردد» (ذوالمجدین، بی‌تا، ص ۴۰).

در مقام جمع‌بندی بین دو واژه رشوه و هدیه باید گفت:

- ۱- شارع حکیم به هدیه امر نموده و نسبت به آن رغبت نشان داده و آن را از مکاسب طیبه به‌شمار آورده است؛ اما شارع از رشوه نهی کرده و بندگان را از آن برحذر داشته و آن را از مکاسب خبیثه به‌شمار آورده است.
- ۲- هیچ شرطی در بذل و بخشش هدیه نیست، درحالی‌که رشوه مشروط به عوض غیرشرعی است (غزالی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۴).
- ۳- هدیه از روی اکرام و تلافی و به‌خاطر نزدیکی و دوستی بخشیده می‌شود، اما رشوه به‌خاطر نزدیکی با نیت انجام دادن باطلی داده می‌شود.
- ۴- ظاهر هدیه آشکارا و مبنی بر جود و کرم و آرامش نفس است و بخشنده هدیه و گیرنده هدیه مدح می‌شوند و برای آنها طلب برکت می‌شود، ولی رشوه مخفیانه است و مبنی بر منت و عدم طیب نفس است و راشی و مرتشی سرزنش می‌شوند.
- ۵- دادن رشوه ممکن است قبل از انجام کار باشد ولی هدیه ممکن است بعد از آن هم باشد (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۴).

۳. حکم هدیه به قاضی در قوانین موضوعه ایران

هرچند که ماده مشخص و مستقیمی راجع به حکم هدیه دادن و هدیه گرفتن توسط کارمندان دولتی و قضات در قوانین به چشم نمی‌خورد، اما به صورت غیرمستقیم چنین چیزی در قوانین وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۱. مواد قانونی مربوط به رشوه و هدیه

در این بخش، مواد قانونی که در مورد رشوه و هدیه در قوانین جمهوری اسلامی ایران وجود دارد مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

الف) ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد...».

در ماده مذکور، به مستخدمین و مأمورین دولتی اشاره شده و واژه «قضایی» نیز به‌دنبال آن آمده است که شامل قضات و دادستان‌ها نیز می‌شود و از این جهت به پژوهش حاضر ربط پیدا می‌کند. اما اینکه در متن ماده، به هدیه به قضات و کارکنان نیز اشاره شده است یا خیر، باید گفت که آنجا که گفته می‌شود «وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی»، این وجه یا مال یا سند پرداخت یا تسلیم مال شامل هدیه نیز می‌شود؛ زیرا ممکن است کسی با عنوان ذکر شده به قاضی هدیه‌ای بدهد تا برایش کاری انجام دهد یا به نفعش حکم کند و یا بر علیه خصم او حکم کند. پس ماده مذکور شامل دادن هدیه نیز می‌شود.

ب) ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ «هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد». در ماده مذکور، به داوران و کارشناسان و ممیزان دادگاه نیز اشاره شده است که آن را می‌توان شامل قضاوت و دادستان‌ها و دیگر مأموران دادگستری و دستگاه قضا دانست. اما آیا اینکه ماده مذکور به بحث هدیه نیز اشاره دارد یا خیر، نیز می‌توان گفت که آنجا که ماده مذکور می‌گوید «چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال»، این خود به هدیه و رشوه نیز اشاره دارد؛ زیرا ممکن است فردی با وجه نقدی یا دیگر چیزهایی که ارزش مالی دارند به قاضی هدیه دهد تا به نفع او حکم کند. پس در ماده مذکور نیز به بحث هدیه و رشوه اشاره شده است.

همچنین، با توجه به متن ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و مواد قانون مجازات اسلامی قدیم و جدید، انتقال مال به کارمند و قاضی و دیگر کارمندان و مأموران، به هر نحوی مانند هبه معوض، بیع صلح و غیره در مقابل عوضی کمتر از عوض واقعی رشوه محسوب می‌شود.

ج) رأی شماره ۷۸۵ مورخ ۱۳۱۷/۳/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور «ارتشاء عبارت از این است که کارمند دولتی یا مملکتی یا بلدی وجه یا مالی به منظور انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به وظیفه اوست، از کسی بگیرد و ...» (حسینی، ۱۳۸۵، الف)، ص ۲۹۴).

در رأی مذکور نیز، هم با عبارات «کارمند دولتی و مملکتی» به قاضی اشاره شده و هم با عبارات «وجه یا مال» به دادن هدیه و رشوه اشاره شده است و قانون، دادن هدیه را رشوه دانسته است.

د) مواد ۳۹۸ و ۳۹۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ ذکر این مواد بدان خاطر است که با دقت و کنکاش در قوانین مربوط به جرم ارتشاء در قوانین ایران در طول تاریخ، فهمیده می‌شود که مواد مذکور تنها موادی از قوانین می‌باشند که در متن آنها صراحتاً به هدیه اشاره شده است.

ماده ۳۹۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش: «هر نظامی برای انجام و یا خودداری از انجام امری که از وظائف او یا یکی از خدمتگزاران ارتش است وجه یا مالی را به‌عنوان هدیه یا رشوه بگیرد اگرچه انجام یا خودداری از انجام امر، خلاف قانون نباشد مرتشی محسوب و علاوه بر رد عین یا برابر بهای آنچه را که گرفته است به صندوق دولت به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

- ۱- هرگاه مبلغ هدیه یا رشوه تا پنج هزار ریال باشد خواه دفعتاً گرفته شده یا به دفعات، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا سه سال.
- ۲- هرگاه مبلغ هدیه یا رشوه، زائد بر پنج هزار ریال باشد خواه دفعتاً گرفته یا به دفعات، به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا پنج سال.»

ماده ۳۹۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش: «منظور از هدیه یا رشوه مذکور در ماده قبل اعم است از وجه نقد یا مال معین و یا هر منفعت نامشروعی که به‌نحوی از انحاء راشی به مرتشی رسانیده باشد از قبیل آن که راشی مالی را بلاعوض یا کمتر از قیمت معمولی مستقیماً یا غیرمستقیم به مرتشی منتقل یا مالی را گران‌تر از قیمت معمولی از مرتشی خریداری نموده باشد. در هیچ مورد وجه یا مال مورد ارتشاء به راشی مسترد نمی‌گردد و به‌نفع صندوق دولت ضبط خواهد شد» (نورزاد، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۴۷).

با توجه به مواد مذکور ملاحظه می‌گردد که مجازات مرتشی برحسب مبلغ مورد ارتشاء، در زمان ارتکاب فرق دارد و این قانون، هدیه را نیز صراحتاً هم‌ردیف رشوه قرار داده و در این خصوص هیچ‌گونه تفاوتی بین هدیه و رشوه قائل نشده و معامله محاباتی را نیز عیناً از مصادیق رشوه به‌شمار آورده است و این در حالی است که در قوانین فعلی در ایران، فقط از مال، سند و معامله محاباتی سخن به‌میان آمده و درحالی‌که قانون به‌صورت غیرمستقیم هدیه را نیز از مصادیق رشوه می‌داند اما آن را به‌صورت صریح و مستقیماً ذکر نکرده است.

۲-۳. مقدار مال موضوع هدیه و رشوه

در این بخش به بررسی مقدار مالی که به‌عنوان هدیه و رشوه به قضات و کارمندان داده می‌شود و تناسب آن با مجازات بحث می‌شود.

الف) ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷
مجمع تشخیص مصلحت نظام

«... در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا همتراز مدیرکل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا همتراز مدیرکل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا همتراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا همتراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

به نظر می‌رسد مبالغ مندرج در ماده فوق با مقتضیات روز هماهنگی ندارد؛ زیرا چگونه ممکن است کسی که در مرتبه مدیر، رئیس، قاضی، مأمور و ... باشد، اقدام به اخذ ۲۰ هزار ریال (۲ هزار تومان) رشوه یا هدیه کند؟ و چه بسا به دلیل مجازات معادل وجه هدیه یا رشوه داده شده، که در زمان حاضر کم است، به راحتی رشوه داده شود و به صورت امری طبیعی این پدیده رواج پیدا کند. پس آنچه در متن قوانین مربوط به موضوع مذکور باید اتفاق بیفتد، همین بروزسانی مبالغ مندرج در ماده یادشده است.

ب) ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

«...»

الف- هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل یک درجه یا رتبه.

ب- هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل دو درجه یا رتبه.

ج- هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و اخراج از نیروهای مسلح».

ج) ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵

«... به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم ... خواهد شد».

به نظر می‌رسد که مبالغ مندرج در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نسبت به مبالغ مندرج در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری بیشتر با مقتضیات زمان هم خوانی داشته باشند، هرچند که لازم است جرایم نقدی در همه موارد موجود در قوانین به نسبت نرخ تورم و ارزش هرچند سال یکبار بروزرسانی شوند.

۳-۳. رشوه غیرنقدی در قالب هدیه، بیع محاباتی و سند مالی

ماده ۵۹۰ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ در این مورد این‌گونه مقرر داشته است که «اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض [هدیه] یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی [بیع محاباتی] یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی [قاضی و دادستان] و اداری به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت [بیع محاباتی] از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی

محسوب می‌شود».

همچنین ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر داشته است که «هر نظامی برای انجام یا خودداری از انجام امری که از وظایف او یا یکی دیگر از کارکنان نیروهای مسلح است وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را بلاعوض [هدیه] یا کمتر از قیمت معمول [بیع محاباتی] به هر عنوان قبول نماید اگرچه انجام یا خودداری از انجام امر بر خلاف قانون نباشد در حکم مرتشی است (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۱۹).

پس همان گونه که در مواد ذکر شده آمده است، دادن هدیه و بیع محاباتی (که خود نیز نوعی هدیه به‌شمار می‌رود) به قاضی و دیگر کارمندان در حکم رشوه است.

۳-۴. سند پرداخت در هدیه و رشوه

منظور از سند مالی یا سند پرداخت، سندی است که قابلیت تقویم و تبدیل به پول را داشته باشد. با توجه به اینکه امروزه چک مهم‌ترین سند پرداخت وجه محسوب می‌شود و چک امروزه به‌عنوان یک سند مالی رسمی در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد و دادن چک به‌عنوان یک رشوه غیرنقدی نیز به موجب ماده مذکور در حکم رشوه است، اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا جزای نقدی که در قانون ذکر شده، در مورد کسی که به‌عنوان رشوه چک به او هدیه داده شده و آن را دریافت کرده است ولی وجه آن را وصول ننموده نیز جاری است یا خیر؟ مطابق نظر اکثر حقوقدانان، قبول سند پرداخت نیز موجب تحقق جرم است. بنابراین دریافت چک که وسیله پرداخت وجه است، دریافت‌کننده را در حکم مرتشی قرار می‌دهد، اما چون وجهی اخذ یا وصول نشده است نمی‌توان مرتکب را به پرداخت جزای نقدی محکوم کرد. اما تعداد اندکی از حقوقدانان می‌گویند که با توجه به اینکه چک، سند مالی است مرتکب باید را به پرداخت جزای نقدی معادل وجه چک نیز محکوم گردد (حسینی، ۱۳۸۵، الف)، ص ۳۳۷). به نظر می‌رسد که قول و نظر اخیر که تعدادی کم از حقوق دانان به آن قائل هستند به صواب نزدیک تر و راجح تر باشد؛ چراکه مراد گیرنده هدیه و رشوه در قالب چک، وجه چک بوده و به همین نیت آن را گرفته و اینکه آن چک وصول نشده یا برگشت خورده، امر دیگری است که به موضوع حاضر ربطی ندارد و طبق قوانین موجود در خصوص ارتشاء باید معادل چک به جزای نقدی محکوم گردد.

۳-۵. بیع محاباتی از نظر قوانین ایران

به طور کلی رشوه در همه موارد و مصادیق آن فقط از طریق وجه نقد یا مال و یا سند تسلیم وجه یا مال نیست، بلکه گاهی رشوه در قالب یکی از معاملات یا عقود و قراردادهای به عمل می آید که در ظاهر نیز قانونی به نظر می رسد و از جمله آنها بیع محاباتی می باشد. در کتاب *ترمینولوژی حقوق*، بیع محاباتی چنین تعریف شده است: «بیع به کمتر از ثمن المثل را که عالماً و عامداً صورت گرفته باشد، بیع محاباتی می گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۸۹۷).

برای نمونه، شخصی منزل خود را که ۱۰ میلیون تومان می ارزد به مبلغ دو میلیون تومان به قاضی، کارمند و یا مأمور دولت می فروشد و در واقع در اینجا ارزش واقعی مورد معامله تماماً و از روی علم و آگاهی طرفین لحاظ نمی گردد. گاهی مواقع نیز مالی به عنوان رشوه در قالب بیع صوری، رد و بدل می شود و وجهی نیز به عنوان ثمن معامله رد و بدل نمی شود که در این صورت نیز در پوشش چنین معامله ای، دادن و گرفتن رشوه انجام می شود. یا مثلاً کسی که مدعی چیزی از دیگری است، به قصد اینکه قاضی به نفع او حکم کند یا شخصی برای اینکه مسؤول اداره دارایی به نحو غیرقانونی مالیات بر درآمد او را کم کند، متاعی را به کمتر از قیمت واقعی به او بفروشد یا جنسی را به بیشتر از قیمت واقعی و اصلی از او بخرد. در این صورت معامله مزبور به دلیل وجود قصد رشوه باطل است؛ زیرا قصد که رکن اصلی عقد است، اگر باطل و حرام باشد عقد نیز به تبعیت از آن باطل و حرام است (ایزدی فر و دادویی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

عباراتی نظیر «مالی ... به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت ... منتقل شود» و «مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد» در ماده ۵۹۰ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و «مالی ... کمتر از قیمت معمول ... قبول نماید» در ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، به بیع محاباتی اشاره دارند.

با توجه به آنچه که قوانین موضوعه ایران مقرر داشته اند و با دقت در متن قوانین موجود می توان گفت که از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران، بیع محاباتی با قاضی و بالعکس ممنوع بوده و خلاف قانون می باشد و در صورت ارتکاب، با متخلفین برخورد صورت گرفته و مجازات خواهند شد.

۳-۶. ضمان در هدیه و رشوه از نظر قانون

تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبردای در این مورد بیان می‌دارد که «در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشاء به‌عنوان تعزیر رشوه‌دهنده به‌نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به‌وسیله رشوه امتیازی حاصل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد». پس مطابق مقررات این ماده، مال ناشی از ارتشاء باید به‌نفع دولت ضبط شود و مصرف آن توسط مرتشی تغییری در این حکم نمی‌دهد. ماده ۵۹۲ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ نیز در این مورد، ضبط مال ناشی از ارتشاء را به‌نفع دولت مقرر نموده است.

استثنائی که در اینجا وجود دارد آن است که مطابق ماده ۵۹۱ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و تبصره ماده ۵۹۲ همین قانون، هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده و رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش کرده و یا شکایت نموده باشد، وجه یا مالی که داده است به وی مسترد می‌گردد. پس مطابق آنچه گفته شد، اگر دادگاه عنوان رشوه را بر عمل متهم شامل ندانست و رأی به تبرئه او داد، نباید حکم به ضبط وجه مورد ادعا بدهد.

۳-۷. حکم رشوه و هدیه در حالت اضطرار از نظر قوانین موضوعه ایران

قانون مجازات اسلامی، دادن رشوه و هدیه به کارمندان و مأموران دولتی و قضات را در حالت اضطرار جایز دانسته و در این حالت تعقیب کیفری را نیز برداشته و رفع کرده است. ماده ۵۹۱ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد که «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد». پس به بیان این ماده، تعقیب کیفری زمانی از راشی برداشته و مالش مسترد خواهد شد که برای حفظ حقوق حقه خود مجبور و ناچار به دادن وجهی در قالب هدیه، رشوه و یا بیع محاباتی بوده است. همچنین، در تبصره ماده ۵۹۲ همین قانون آمده است که «در صورتی که رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد». پس باتوجه به تصریح ماده یادشده، حالت اضطرار در رشوه، از حالاتی است که رافع مجازات خواهد بود.

همچنین، در مورد این موضوع در نظر کمیسیون نشست قضایی (۵) آمده است که

باتوجه به مندرجات و صراحت تبصره ذیل ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: "در صورتی که رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد" و تبصره ۲ ماده ۵۹۵ همین قانون نیز که اعلام می‌دارد: "هرگاه ثابت شود ربا‌دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد"، رشوه‌دهنده و ربا‌دهنده، در صورت اضطرار در پرداخت وجه به‌عنوان رشوه و مال یا وجه اضافی، از مجازات معاف خواهند بود (زینالی، ۱۳۹۶، صص ۱۴۵-۱۴۱).

نکته حائز اهمیت این است که کسی را که برای پذیرش فرزند در حال مرگش ناگزیر به پرداخت رشوه به مدیر بیمارستان می‌شود می‌توان طبق قانون مضطر دانست اما اگر فردی برای دریافت پروانه کار ساختمان و به‌منظور اخذ وام بانکی مبلغی به‌عنوان رشوه به کارمند مربوطه پرداخت کند تا کارمند مزبور مانع تراشی نکند، نمی‌توان رشوه‌دهنده را مضطر دانست؛ چراکه با خطر شدیدی رو به رو نبوده است که به‌نظر می‌رسد این نکات جزئی، به علم و زیرکی و فراست و تشخیص صحیح قاضی نیازمند است و قضات در این مورد وظایف خطیر و سنگینی را عهده‌دار هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

با دقت در قوانین و حقوق موضوعه ایران و برخی آراء وحدت رویه و علی‌الخصوص ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۵۸۸ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ فهمیده می‌شود که قانون، دادن هرگونه مالی را تحت هر عنوانی از جمله هدیه، بیع محاباتی، سند مالی و پرداخت (چک)، مصداق بارز رشوه دانسته و با توجه به مبلغ مورد رشوه، مجازات خواهد شد و دادن هدیه به قاضی نیز مصداق کامل و بارز رشوه بوده و گیرنده رشوه نیز مورد کیفر قرار خواهد گرفت. با این حال، قوانین موضوعه، دادن هدیه و رشوه در حالت اضطرار و اجبار را رافع مسؤولیت کیفری دانسته‌اند و همچنین معتقدند که در رشوه، مال ناشی از ارتشا به‌عنوان تعزیر رشوه‌دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد. در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

نخست اینکه، باتوجه به نرخ تورم کشور، ضروری است که جرایم مالی در نظر گرفته شده در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۵۸۸ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح هرچند وقت یک‌بار مورد بازنگری قرار گرفته و یا قوانین به گونه‌ای اصلاح شوند که به‌عنوان مثال، هر ساله متناسب با نرخ تورم کشور افزایش یابند و نیاز به اصلاح مجدد و طی کردن یک سیر طولانی نداشته باشند تا عامل بازدارندگی آنها حفظ شود.

دوم اینکه، قوانین کشور در مورد اعطای هدیه به قضات و مسؤولین تصریحی ندارند و از این حیث ساکت تلقی می‌گردند. لذا پیشنهاد می‌شود که مواد قانونی مطابق فقه اسلامی تدوین و تصویب گردند و موارد جواز و منع آن را مشخص نمایند و برای مرتکبین موارد ممنوع، مجازات متناسب و مشخص در نظر بگیرند.

سوم اینکه، قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد و مبحث رشوه و هدیه به قضات در آن لحاظ شود؛ زیرا در مقررات فعلی این قانون هیچ‌گونه صحبتی از رشوه و هدیه دادن به قضات نشده است، درحالی‌که ضرورت دارد که در این قانون به چنین مبحثی بیشتر از سایر قوانین پرداخته شود. البته ممکن است گفته شود که چون در قوانین دیگر بحث شده است، قانون‌گذار لازم ندیده تا در قانون نظارت بر رفتار قضات آن را دوباره مطرح کند، اما با این حال، به دلیل ارتباط فراوان این دو موضوع، تصریح به چنین مواردی مناسب به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. آذرنوش، آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی-فارسی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۲. ایزدی فر، علی اکبر و دادوئی، حمیدرضا؛ رشوه اداری و انواع آن در فقه امامیه، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۴.
۳. امامی، سیدحسن؛ حقوق مدنی، ج ۲، انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۷.
۴. ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، انتشارات نامه هستی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۶. حسینی، سیدمحمدرضا؛ قانون مجازات اسلامی در رویه قضائی، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵. (الف)
۷. حسینی، محمد؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵. (ب)
۸. دادوئی دریکنده، حمیدرضا؛ رشوه و احکام آن در فقه اسلامی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴.
۹. ذوالمجدین، زین العابدین؛ فقه و تجارت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، بی تا.
۱۰. سنگلجی، محمد؛ آیین دادرسی در اسلام، بی نا، تهران، ۱۳۲۹.
۱۱. زینالی، توحید؛ جرائم رشاء و ارتشاء در رویه دادگاهها، چراغ دانش، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۲. گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای اختصاصی، میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۱۳. نورزاد، عوض؛ رشوه در حقوق کیفری ایران و اسلام، نشر آریان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

الف. منابع عربی

۱۴. الاصبیحی، مالک بن انس؛ الموطأ، ج ۲، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶.ق.

۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، ج ۱۵، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۶. اصفهانی، راغب؛ *المفردات فی غریب القرآن*، دارالقلم، چاپ اول، دمشق، ۱۴۱۲ق.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح بخاری*، ج ۷، دار طوق النجاة، چاپ اول، بی جا، ۱۴۲۲ق.
۱۸. جمعی از نویسندگان؛ *الموسوعة الفقهية الكويتية*، ج ۳۳، دار الصفوة، کویت، ۱۴۱۲ق.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، ج ۶، دار العلم للملایین، چاپ چهارم، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۱۲ و ۱۷، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۱. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۲۰ و ۳۹، دارالفکر، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۲. رازی، أبوالحسین؛ *معجم مقاییس اللغة*، ج ۵، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۲۳. غزالی، أبوحامد محمد؛ *إحياء علوم الدين*، ج ۲، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العين*، ج ۴ و ۵، انتشارات هجرت، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحيط*، ج ۱، مؤسسه الرسالة، چاپ هشتم، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *کافی*، ج ۵، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۷. ماوردی، أبوالحسن علی بن محمد؛ *الحاوی الكبير*، ج ۱۶، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*، ج ۱۰۲، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.

Verdicts on Gifts to Judge in Iran's Statutory Provisions

Mohammad Adel Ziaie*

Ayoub Shafeiyapour**

Received: 10/3/2018

Accepted: 6/5/2018

Abstract

There is no discrepancy regarding to the fact that the voluntary exchange of the gifts is recommended. However, a question is raised considering the sensitive position of the judges as to whether they can be presented with gifts or not? The present article has been carried out based on a descriptive-analytical method and takes advantage of the library research to make it clear that it is stated in Iran's statutory provisions that presenting any property or advantage to the judges under any title like gift, gratuities, financial deeds and making any sort of payment in cash (or through cheque) is the unquestionable example of bribery and the briber and the bribee will be punished based on the amount of money being bribed. It is stipulated in the statutory provisions that coerced and urged gifting and bribing do not bring about penal liability and it is also believed that the property earned through bribery can be confiscated in favor of the government as a canonical punishment to the briber. Finally, the study provides suggestions in line with the omission and modification of some of the statutes in this regard.

Key Words: Gift, Bribe, Judge, Islamic Penal Law, Aggravation of Punishment, Armed Forces Crimes Act.

*Associate Professor at Faculty of Theology and Islamic Studies of Tehran University.
ziaey@ut.ac.ir

**MA in Comparative Jurisprudence and Islamic Criminal law of University of Islamic Denominations.
ayoubshafei@yahoo.com